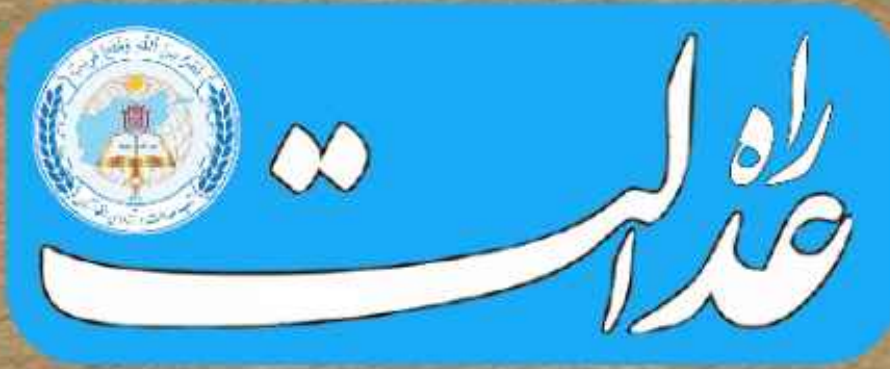




سال دوم • شماره ۱۶ • چهارشنبه ۱۰ نور ۱۴۰۴ • ۳۰ اپریل ۲۰۲۵

ارکان نشراتی حزب عدالت و آزادی افغانستان

ویژه نامه سی امین سالگرد شهادت رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری

سلام ای آفتاب، ای سر و آزاد

در این شماره:

مزاری چه می خواست؟

مزاری را چگونه بفهمیم؟

فدرالیسم؛ مهم ترین میراث مزاری

شهید مزاری و احیای حیات جمعی هزاره ها

هزاره ها پس از مزاری؛ مخاطرات وجودی یا فروپاشی اجتماعی

تاملی بر طرح نظام عادلانه در اندیشه شهید مزاری

شهید مزاری و چگونگی مواجهه با امر سیاسی

میراث مزاری؛ عبور از ایدئولوژی به حقوق شهروندی

شهید مزاری و حقوق شهروندی

روایت و راهبردهای هزارگی در پرتو رفتار فرهنگی و سیاسی شهید مزاری

تبارشناسی جنبش های اجتماعی و سیاسی هزاره ها

درس های شهید مزاری و همبستگی اجتماعی

جایگاه زنان از نگاه شهید مزاری

شهید مزاری در آینه ادبیات

گزارش های سی امین سالگرد شهادت رهبر شهید

پیام ها و اعلامیه ها

مزارى پس از سى سال؛ درخشان تر از هميشه

يک، اين شماره را به آيين‌هاى سى‌امين سالگرد شهادت شهيد وحدت ملى استاد عبدالعلى مزارى اختصاص داده ايم. در اين شماره تلاش شده است که حتى الامکان مجالس و گردهمايي‌هاى تجليل از شهيد مزارى در سراسر جهان به نحوى انعکاس يابد، به همين خاطر تمام مطالب به سى‌امين سالگرد اختصاص دارد و موضوعات به پنج بخش تقسيم گرديده است: سخنرانى‌ها، پيام‌ها، گزارش‌ها، اشعار جديد در باره رهبر شهيد و اعلاميه‌ها و پوسترها، بر اساس معلوماتى که جمع‌آورى گرديده است مراسم‌ها و مجالس سى‌امين سالگرد به صدها مورد مى‌رسد و به اين ترتيب مطالب و موضوعاتى که در هر يک از مجالس مطرح شده است به هزاران مى‌رسد. اين حجم از توليد محتوا و مطالب در باره شهيد مزارى شگفت انگيز است و نشان مى‌دهد که شهيد مزارى چه فرصت بزرگى را براى آگاهى مردم به وجود آورده است و او اکنون نه يک فرد بلکه به معنای واقعى کلمه يک مکتب و يک هويت انساني ارزشمند است. طبيعى است که متاسفانه جمع‌آورى و گردآورى اين همه مطلب ممکن نيست. به همين خاطر تلاش کرديم که موارد مهم را جمع‌آورى کنيم و اعلاميه‌هاى سالگرد نشان دهنده گستردگى مطالب و آيين‌هاى سالگرد هستند. در عين حال مطالب جمع‌آورى شده در اين شماره تنها گوشه‌اى از آيين‌هاى تجليل از سى‌امين سالگرد رهبر شهيد را نشان مى‌دهند و متون توليدشده، برنامه‌هاى هنرى و فرهنگى بسيار گسترده و متنوع هستند که گردآورى همه موارد، آن هم در يک نشریه، امکان‌پذير نيست .

دو، دليل اين امر اين بود که بتوانيم اهم مطالب توليدشده را در يک جا گردآورى کنيم و بدین ترتيب حتى الامکان از فراموشى و به تاريخ پيوستن اين همه رخداد نيکو جلوگیری کنيم. چنان که در سال‌هاى گذشته شاهد بوديم مجالس و همایش‌هاى بسيار بزرگى هر ساله دایر مى‌گردید و مطالب خوبى نيز توليد مى‌شد ولی به طور پراکنده به فراموشى سپرده شد و کمتر ماندگار گرديد. ما خواستيم تا امسال بخشى از محتوای توليدشده در مجالس و اهم موضوعات مطرح شده را در حد امکان در يک جا جمع‌آورى کنيم تا به صورت يک پرونده و به راحتی قابل دسترس براى همگان باشد و هم‌چنين اين تلاش‌ها مکتوب گردد و در جايى بماند، مسلم است که براى پيروان شهيد مزارى و نيز آيندگان مفيد خواهد بود.

سه، علاوه بر گستردگى موضوعات و مطالب، خوش بختانه در سال جارى بر خلاف سال‌هاى گذشته پرداختن به مسایل اساسى جامعه و سرنوشت جمعى بسيار اميدوارکننده و الهام بخش بوده است. بخش کوچکى از مطالبى که در اين شماره انعکاس يافته است به خوبى نشان‌دهنده عمق موضوعات مطرح شده در آيين‌هاى گراميداشت از سالياد رهبر شهيد است. اکنون ما به مرحله‌اى رسيده ايم که بايد از ظرفيت عظيمى که شهيد مزارى و مکتب او براى ما فراهم کرده است در راستای رقم زدن يک استراتژى درست و آينده روشن استفاده کنيم. نوع موضوعات و مطالب مطرح شده در مراسم‌هاى سى‌امين سالگرد نشان مى‌دهند که ما به مرحله‌اى از انديشيدن و گفتگو ر

شهید احمدشاه مسعود امضا شده بود. همچنین شاهد دیگر اصول اساسی دولت استاد ربانی است که در مواد مختلف آن آمده بود: در افغانستان مذهب رسمی تنها مذهب حنفی است و قانون گذاری بر اساس فقه حنفی صورت می گیرد و شرط رئیس جمهور این است که مرد مسلمان پیرو مذهب حنفی باشد و صدر اعظم هم باید مرد مسلمان حنفی باشد. این ها همگی به معنای حذف و نادیده گرفتن شیعیان و مذهب تشیع در قدرت بود.

به طور کلی با توجه به آنچه گفته شد من از همه هزاره‌ها و شیعیان مخصوصا از جوانان آگاه و غیور می‌خواهم که این رهنمود استراتژیک استاد مزاری را معیار همه گفتارها و رفتارهای خود قرار دهند که ما به همه اقوام افغانستان احترام قایل هستیم و دشمنی بین اقوام را یک فاجعه و وحدت ملی و برادری و برابری را یک اصل و یک مسئولیت می‌دانیم و امروز هدف اصلی همه ما باید تأمین عدالت برای همه باشد. از نگاه شهید مزاری هزاره‌ها با هیچ قومی خصومت و دشمنی ندارند و هیچ گروهی هم این قدرت را ندارد که از روی کین و عداوت، هزاره را از جغرافیای افغانستان حذف و محو کند.

ما یعنی همه مردم افغانستان و از همه اقوام کشور، امروز باید از دامن زدن به احساسات تند تفرقه آفرین و نفرت پراکنی‌های قومی، مذهبی و زبانی بپرهیزیم و دشمن تراشی‌ها و دشمن‌سازی‌های بیپهوده و بی‌دلیل را ممنوع قرار دهیم و باور کنیم که افغانستان یک کشور متنوع و متکثر است و همگی باید این تنوع و تکثر را به رسمیت بشناسند و حقوق همه اقوام باید بر اساس معیار نفوس و به صورت عادلانه تأمین گردد. روابط درون قومی: هزاره و شیعه دو عنوان و دو محور کلیدی همگرایی و دو پتر کلان اتحاد و همبستگی و دو عامل قوت ما است

اول- از نگاه شهید مزاری در مناسبات درون قومی، هزاره یک هویت مستقل و دارای تاریخ و فرهنگ خاص خود است و از این رو هزاره‌های شیعه دوازده امامی و اسماعیلیه و هزاره‌های سنی هویت مشترک دارند و اتحاد بین آنان یک ضرورت حیاتی است و باید همه آنان متحداً از حقوق خود دفاع کنند. شهید مزاری از دوره سازمان نصر تماس و ارتباط با هزاره‌های سنی و اسماعیلیه را آغاز کرد و در دوره حزب وحدت این ارتباطات را توسعه داد.

شهید مزاری گفت:

«این مسئله که ما طی سه صدسال محکوم بودیم در تاریخ افغانستان، محوشده بودیم و کسی ما را با هویت هزاره قبول نداشت و هزاره گفتن و هزاره بودن در این مملکت به‌زعم بعضی‌ها ننگ بود، امروز الحمدالله از بین رفته.»

«حالا شما می‌بینید که قبل از دوران جهاد، در غزنی هر قدر هزاره بوده، اسم خود را تاجیک نوشته و در شمال هر چه هزاره بوده، اسم خود را تاجیک نوشته‌اند. همین حالا در بادغیس هزاره است که از دایزنگی، دایکندی و غزنی... رفته‌اند و حالا سنی‌اند؛ خصلت‌ها، حالت‌ها و عنعنات‌شان، عین خصلت، حالت‌ها و عنعنات مردم هزاره‌جات‌اند. در کندز هزاره‌ها شصت فیصد مردم را تشکیل می‌دهند؛ اما خود هزاره‌ها هم نمی‌دانستند که این‌ها هزاره‌اند و آن‌جا رفته‌اند.»

«این است که در این جامعه، پشتون بودن ننگ نبود، افتخار بود؛ تاجیک بودن ننگ نبود، افتخار بود، ازبک بودن ننگ نبود، ولی هزاره بودن ننگ بود. حتی کسانی که در زندگی خود شریک هم کرده بودند، احترام هم می‌کردند، دوست‌شان هم بودند و به عنوان شیعه احترام می‌کردند؛ همین‌ها هم یک کسی را، یک نفری را که تحقیر می‌کردند یا «او هزاره‌گک» می‌گفتند، یا «او هزاره‌گی» این مسئله وجود داشت.»

متن سخنرانی استاد سرور دانش رئیس حزب عدالت و آزادی افغانستان

مزاری چه می‌خواست؟

تغییر نظام سیاسی هدف اصلی و اساسی مبارزات سیاسی شهید مزاری

(سخنرانی در سی‌امین سالگرد رهبر شهید استاد مزاری - نیوزیلند-۱۵ مارچ ۲۰۲۵ برابر با ۲۵ حوت)

هیچ یک از ما این موضوع حتی خطوط هم نمی‌کرده است، شهید سید حسین حسینی دره صوفی و مرحوم سید عباس حکیمی دو سید بزرگوار ما، دو عضو از ده عضو شورای مرکزی سازمان نصر بودند که از یاران و دوستان نزدیک شهید مزاری و مورد احترام همه ما بودند. من با شهید حسینی که در سال‌های آخر عمر ایشان در سال های ۶۵ و ۶۶ ارتباط کاری زیادی باهم داشتیم، چون ایشان مسئول عمومی سازمان بود و بقیه مسئولین همگی به داخل کشور رفته بودند و من هم مسئول دفتر قم و مسئول امور فرهنگی سازمان، از نگاه عاطفی تا آنجا به همدیگر وابسته بودیم که در هر روز حد اقل یکبار باید همدیگر را می‌دیدیم و یا تماس تلفنی می‌داشتیم و همه اعضای سازمان به شهید حسینی و استاد حکیمی همین احترام را داشتند و هیچگاه نه آنان فکر جدایی سید و هزاره و یا برتری سید بر هزاره و یا برعکس را داشتند و نه هزاره‌ها خود را از آنان جدا می‌دانستند. جمعی از سادات مبارز از دستیاران و مشاوران نزدیک و صمیمی استاد مزاری و تا آخرین لحظات حیات ایشان از افراد امین و مورد اعتماد او بودند همچون سید علی علوی و سید حاکم زاده و سید محمد سجادی و مانند آنان. در سازمان نصر پوستر سید جمال الدین افغانی و پوستر سید اسماعیل بلخی به آرم و لگوی سازمان نصر تبدیل شده بود و سازمان نصر مبارزات سیاسی خود را بر مبنای اندیشه این دو شخصیت عیار ساخته بود.

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

سید شهید مزاری

مشروعیت و کارآمدی نظام سیاسی در پرتواندیشه شهید مزاری

(متن سخنرانی استاد سرور دانش در مراسم شورای عالی مقاومت برای نجات افغانستان (۲۴ حوت ۱۴۰۳)



رهبران معظم سیاسی و جهادی، شخصیت‌های سیاسی، علمی و فرهنگی، حضار و مهمانان گرامی، مردم آزاده و عزتمند افغانستان! السلام علیکم و رحمت الله و برکاته.

در ابتدا فرارسیدن سی‌امین سالیداد شهادت بزرگ‌مرد عدالت‌خواه، مجاهد و مبارز سترگ آزادی‌خواه رهبر شهید استاد عبدالعلی مزاری و یارانش را به ملت بزرگ افغانستان و پیروان صدیق و وفادار شهید مزاری تسلیت می‌گویم. همچنین سالروز حماسه قیام مردم مسلمان هرات در سال ۱۳۵۷ را گرامی داشته و به روان تابناک شهدای این قیام تاریخی درود می‌فرستیم.

هرچند امروز قاتلان شهید مزاری که غاصبانه بر اریکه قدرت در افغانستان تکیه زده‌اند، برگزاری مراسم گرامی‌داشت از شهید مزاری و سایر شهدای نامدار ما را در داخل کشور ممنوع قرار داده‌اند و تلاش می‌کنند که نمادها، آثار و یاد آنان را نیز محو کنند، زیرا از نام و یاد آنان خواب راحت‌شان به کابوس وحشت تبدیل شده و لرزه بر جان و کاخ ستم‌آبادشان می‌افتد. اما آنان باید بدانند که روزی در قبال جنایت نابخشودنی شهید ساختن استاد مزاری و یارانش باید جواب بدهند و در یک محکمه عادلانه باید محاکمه شوند. آنان همچنین باید بدانند که شهید مزاری‌ها، شهید ربانی‌ها، شهید مسعودها، شهید کاظمی‌ها، شهید جنرال عبدالرازق‌ها و شهدای دیگری مانند آنان، امروز در وجود میلیون‌ها انسان این سرزمین تکثیر شده و یاد و اندیشه آنان به نقشه راه ملت تبدیل گردیده و از آنان به عنوان مظهر عدالت، عزت و آزادی‌به مراتب با شکوه‌تر از گذشته، نه تنها در افغانستان بلکه در صدها شهر و کشور دنیا نیز تجلیل خواهد شد.

حضار گرامی!

با اغتنام از فرصت و با الهام از اندیشه‌های بلند شهید

مزاری، دلایل و عوامل بحران و وضعیت نابسامان و بن‌بست سیاسی کنونی کشور

سخنرانی داکتر محمد امین احمدی در آمریکا

مزاری را چگونه بفهمیم

(۹ مارچ ۲۰۲۵-واشنگتن دی سی)



شهید مزاری را چگونه بفهمیم؟

بعد از مقدمه به این موضوع می‌پردازیم که ما شهید مزاری

را چگونه درک کنیم و چگونه بفهمیم؟ تجلیل از شهید مزاری به این معنی است که ما او را چگونه می‌شناسیم و او چگونه می‌تواند آینده ما و آینده جمعی باشد؟ یعنی ما خود را در آینه شهید مزاری چگونه درک می‌کنیم و چگونه می‌فهمیم؟ اگر ما نتوانیم ارتباط معنادار با شهید مزاری برقرار کنیم، سخن گفتن از شهید مزاری و تجلیل از وی بی معنی می‌شود و این تجلیل‌ها و مراسم‌ها هم بی معنی و خالی از فایده می‌شوند. بنابراین اگر ما خواسته باشیم آگاهی جمعی هزاره و درد مشترک هزاره و در مجموع انسان تحت ستم هزاره را تعریف کنیم آن را باید در قالب رفتار، گفتار و اندیشه مرحوم شهید مزاری ببینیم. یعنی انسانی که از درد و رنج خود و از وضعیت و موقعیت خود آگاهی دارد، این یعنی شهید مزاری و فعال سیاسی یعنی همین.

سرانجام شهید مزاری شهادت بود، یعنی رهبر قومی که در معرض تبعیض، حذف، سرکوب و نفرت قرار دارد، بیش از هر رهبر دیگر، در معرض سرنوشتی قرار دارد که در مورد شهید مزاری رخ داد که با کینه و نفرت او و همراهانش را کشتند. لذا باید او همراهان و همکارانش مظهر آینه وجدان جمعی ما باشند. شهید مزاری آینه سرنوشت جمعی ماست، آینه آگاهی جمعی ماست.

مروری بر زندگی شهید مزاری

شهید مزاری برای درکی که پیدا کرده بود و دردی که حس می‌کرد، چه کرد؟ اقدام شهید مزاری این بود که تغییر به وجود آورد و برای به وجود آوردن تغییر، مبارزه کرد. مبارزه شهید مزاری در ادوار گوناگون شکل‌های مختلفی داشت: ۱. مبارزه فرهنگی: از اواخر دهه ۱۳۴۰ (همزمان با حیات مرحوم شهید بلخی) آغاز شد . این مبارزه آهسته آهسته در وجود او

ادامه متن سخنرانی داکتر محی الدین مهدی در مراسم تورنتو- کانادا

فدار لیسم؛مهم ترین درس شهید مزاری

کشیده شده است. یک بار در زمان شیرعلی خان و یک بار در زمان عبدالرحمان خان. آخرین خان مینگ دلاور خان است که در زندان کابل جان می‌دهد.

یک طایفه دیگر به نام چهارایماق است که عبارتند از جمشیدی، تایمنی، فیروزکوهی و هزاره سنی است. این ها یک کنفدریشن یا اتحادیه داشتند. اتحادیه آنها در هرات بسیار موثر بود و هیچ کسی بدون اجازه و حمایت آنها بر هرات حکومت نمی توانست.

عبدالرحمان خان این طوایف را نیز به خونین ترین وجه ممکن سرکوب و نابود شان کرد و مرز را از وجود آن ها کاملا خالی کرد. یکی از انگلیسی ها به نام کرنیل هیت که در تعیین مرزهای بین افغانستان، ایران و ترکمنستان در این منطقه نقش داشت فکر و ایده «افغانیزیشن» به عبدالرحمان خان داد و گفت که این منطقه را از سکنه خالی کن و به جای شان افغان ها را جابجا کن. عبدالرحمان خان نیز چنین کرد و طوایف جمشیدی، هزاره بادغیسی و ترکمن را از منطقه بیرون کرد و به جای شان مردم افغان را جابجا کرد که تا کنون این مرزها تا مرز بدخشان افغان هستند.

این تصویری از قرن نوزده است که بعدها این سرزمین نام افغانستان را نیز به خود گرفت. اما اگر می خواهم تصویری از دوده آخر قرن بیستم- از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰ یا دوره جهاد- ارایه کنم .

رهبران جهادی، بلاستثنا، مردمانی بودند با اندیشه‌های کلیشه‌ای و ایدئولوژیک. هیچ خوب و خرابی در این میان نیست و همه یکسان هستند. آنان بلااستثنا ایدئولوژیک فکر می کردند. به این معنی که فکر می کردند که آن چه را من فکر می کنم درست است و آن چه را دیگران می اندیشند نادرست است. بنابراین حق

متن سخنرانی داکتر امان الله فصیحی

شهید مزاری و احیای حیات جمعی هزاره‌ها: از مرگ اجتماعی تا باز گشت به صحنه (۱ حوت ۱۴۰۳ - شهر دلیجان ایران)



در دل تاریخ پر فراز و نشیب افغانستان، جامعه هزاره همواره با چالش‌های هویتی و تبعیض ساختاری دست و پنجه نرم کرده است. در چنین بستری، ظهور رهبرانی که بتوانند امید و انسجام را در میان این جامعه احیا کنند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. یکی از این رهبران استاد شهید مزاری است که نقش تاریخی ایشان در زیست جهان هزاره در این نوشتار بررسی می‌شود.

۱. هزاره‌ها در گرداب تبعیض: طلوع رهبری برای احیای حیات جمعی

جامعه هزاره در طول تاریخ افغانستان همواره با چالش‌ها و تبعیض‌های گوناگونی مواجه بوده است. این تبعیض‌ها، به‌ویژه در دوران حاکمیت عبدالرحمان‌خان در اواخر قرن نوزدهم، به اوج خود رسید و منجر به کشتار گسترده، غصب اموال و زمین‌ها، و تحقیر هویت فرهنگی و مذهبی این قوم گردید. این سیاست‌های سرکوبگرانه، حیات اجتماعی هزاره‌ها را در ابعاد مختلف با تهدید جدی مواجه ساخت. در چنین شرایطی، ظهور رهبرانی که بتوانند با درک عمیق از مسائل جامعه خود، برای احیای حقوق و جایگاه آن‌ها تلاش کنند، از اهمیت بسزایی برخوردار است. شهید عبدالعلی مزاری یکی از این رهبران برجسته بود که با طرح دیدگاه‌ها و خواسته‌های مشخص، نقش بی‌بدیلی در بازسازی حیات جمعی هزاره‌ها ایفا نمود. این متن با هدف بررسی نقش و تأثیر شهید مزاری در این فرایند، به تحلیل صورت‌بندی مسئله هزاره‌ها از دیدگاه وی، مفهوم حیات و مرگ اجتماعی، و اقدامات و خواسته‌های او برای احیای حیات اجتماعی هزاره‌ها می‌پردازد.

۲. شهیدمزاری و معمای هزاره: تحلیل چندوجهی یک مبارزه شهید مزاری به‌عنوان یک کنشگر سیاسی و فکری، مسائل جامعه هزاره را در سه سطح فراملی، ملی و قومی صورت‌بندی می‌کرد که هر یک بازتاب‌دهندهٔ ابعاد گستردهٔ مبارزات او بود. این سطوح در منظومهٔ فکری او به‌شکلی دیالکتیکی به‌هم پیوند می‌خوردند.

در سطح فراملی، مبارزه با هر

شهید مزاری با طرح این خواست اساسی، در واقع بدنبال درهم شکستن نظام کاستی و سلسله مراتب ناعادلانه‌ای بود که در طول تاریخ افغانستان شکل گرفته بود. این نظام نانوشته، یک عده از اقوام خاص را به جایگاه سروری و برتری دائمی ارتقا داده و یک عده دیگر، از جمله هزاره‌ها، را به جایگاه فرودستی، جوالی‌گری و نوکری دائمی تقلیل داده بود. مطالبه به رسمیت شناختن هویت مذهبی و قومی هزاره‌ها، تلاشی برای پایان دادن به این ساختار تبعیض‌آمیز و ایجاد یک جامعه مبتنی بر اصل برابری و شایستگی بود، جایی که تمامی شهروندان بدون در نظر گرفتن قومیت و مذهب خود، از حقوق و فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

۲. توسعه متوازن (سطح نباتی): تأکید شهید مزاری

بر توسعه متوازن، در واقع مطالبه‌ای عمیق برای رفع محرومیت‌های دیرینه اقتصادی و زیرساختی مناطق هزاره‌نشین بود. این مناطق به دلایل مختلفی از جمله سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت‌های مرکزی در طول تاریخ، چالش‌های جغرافیایی و عدم تخصیص عادلانه منابع ملی، همواره از نظر دسترسی به امکانات اولیه زندگی مانند راه، آب، برق، آموزش و خدمات بهداشتی به‌صورت مطلق محروم بودند. این محرومیت‌ها نه تنها مانع از رشد اقتصادی و بهبود سطح زندگی مردم این مناطق شده بود، بلکه تأثیرات منفی گسترده‌ای بر ابعاد مختلف حیات اجتماعی هزاره‌ها نیز بر جای گذاشته بود. فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، دسترسی محدود به آموزش و خدمات درمانی، و دشواری‌های ارتباطی، چرخه فقر و محرومیت را تشدید کرده و مانع از شکوفایی استعدادها و مشارکت فعال این جامعه در توسعه ملی می‌شد.

توسعه متوازن متوازن از دیدگاه شهید مزاری، صرفاً به معنای رشد اقتصادی نبود؛ بلکه مفهومی جامع‌تر را در بر می‌گرفت که شامل فراهم آوردن شرایط لازم برای بهبود کیفیت زندگی، ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی، و ایجاد فرصت‌های برابر برای همه شهروندان، به‌ویژه هزاره‌ها، برای مشارکت در ساختن آینده‌ای بهتر بود. این مطالبه، تلاشی برای رفع بی‌عدالتی‌های تاریخی و ایجاد یک نظام عادلانه‌تر در توزیع منابع و امکانات در سراسر کشور به شمار می‌رفت. شهید مزاری با طرح این خواسته، به دنبال ایجاد یک جامعه متوازن و پایدار بود که در آن همه مناطق کشور از فرصت‌های برابر برای پیشرفت و توسعه برخوردار باشند. تحقق توسعه متوازن نه تنها می‌توانست به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی هزاره‌ها کمک کند، بلکه با کاهش شکاف‌های منطقه‌ای و ایجاد حس عدالت و برابری، به تقویت وحدت ملی و انسجام اجتماعی در کل افغانستان نیز منجر می‌شد

۳. تعدیل واحدهای اداری (سطح تعاملات اجتماعی و همبستگی): تق

در قالب یک طرح ملی ارایه گردید که نه تنها راه حلی برای پایان دادن به محرومیت تاریخی هزاره ها بود، بلکه چاره ای برای حل معضل دیرپا و تاریخی بی ثباتی سیاسی و جلوگیری از فروپاشی و تقابل خشونت بار اجتماعی بود.

مطالعه مجموعه سخنرانی های استاد مزاری و مصاحبه های ایشان که در قالب کتاب به نشر رسیده است، نشان دهنده درک عمیق او از ریشه های های بحران دیرپای سیاسی در افغانستان و در بر دارنده یک تفکر نظم یافته و تعریف شده سیاسی است و طرح روشن

عبور و عدول نکرد، باورش نسبت به ولایت فقیه تغییر نکرد؛ ولی واقعیت افغانستان این قضیه را برایش ثابت کرد که گاهی باورهای بسیار جدی و غظیم انسان در واقعیت میدانی قابل تطبیق نیست و نهایتا در ذهن انسان به عنوان یک باور شخصی و عقیده فردی باقی می‌ماند. برای مؤثر بودن در جامعه باید راه دیگری را جستجو کرد.

اول اینکه، آقای مزاری با تیم و همکاران و یارانی که داشت بیشتر به سراغ ملت‌های محروم رفت، خیلی حوادث اتفاق افتاد که من نمی‌خواهم اینجا برای شنیدن آن شما را زحمت بدهم. دوم اینکه، آن مجموعه و آن تیم از طرفی به این باور رسیدند که ما با حضور احزاب مختلف، دسته‌جات سیاسی مختلف که هر کدام ممکن است صید این‌طرف و آن‌طرف شوند و جامعه ما باز هم از کاروان سیاسی افغانستان جدا شده و جا بماند، به جایی نمی‌رسیم. آن‌ها به‌این نتیجه رسیدند که ما باید وحدت درونی مردم خود را با اتحاد احزاب حل کنیم و یک هماهنگی و وحدت سراسری به‌وجود بیاوریم. در آنجا تلاش شد و حزب وحدت بوجود آمد، جمع کثیری در این رابطه کار و فداکاری کردند، از خود گذری کردند تا حزب وحدت بوجود آمد.

در حزب وحدت همه‌گی سهم گرفتند و مزاری در شرایطی که تمام بستگان و نزدیکانش ازجمله پدر و برادرش توسط حزب حرکت اسلامی به رهبری آیت الله شیخ آصف محسنی، قتل عام‌شده بودند و ایشان با آقای محسنی مشکل جدی داشت؛ ولی بسیار به سادگی گذشت و گفت من نزد آقای محسنی می‌روم و او را به اتحاد دعوت می‌کنم که مسئله مردم ما از مسئله شخصی من باززش‌تر و مهم‌تر است. ما باید مصلحت این مردم را تأمین کنیم نه اینکه من در برابر آقای محسنی عقده‌گشایی کنم که البته ایشان هم پذیرفتند. اینکه بعدا چه شد که آقای محسنی از حزب وحدت فاصله گرفت آن بحث جداست که من امشب به آن نمی‌پردازم.

به هر صورت، حزب وحدت به‌وجود آمد، یعنی جامعه شیعه مخصوصا جامعه هزاره یک صدا شد، با اینکه حزب حرکت اسلامی نیامده بود؛ اما آن حزب به هیچ عنوان صدای مردم نبود، بلکه این حزب وحدت بود که به‌صدای مردم تبدیل شد، در بامیان و در غرب کابل. حزب وحدت هزاره را در تمام پارلمان‌ها، در تمام دولت‌ها، در تمام حکومت‌ها، در تمام جوامع بشری و بنگاه‌های خبری و نشراتی دنیا معرفی کرد و از آن روز شما بر چهره‌ای آفتاب افتادید. با این حزب، هزاره‌ها برای جمع کردن ملت های محروم و اینکه ملت‌های محروم باید در کنار هم بایستند تا در افغانستان عدالت تأمین شود بسیار تلاش

برادر دیگران می‌دانست، هزاره را برابر با دیگران می‌دانست، این حرف مزاری بود. امیرعبدالرحمان وجدان مردم افغانستان را به گونه‌ای تغییر داده که سخت است دیگران هزاره را برادر خود و در کنار خود بپذیرند؛ ولی باور کنید که دیگر آن زمان گذشته است، در نظام فعلی ممکن است فشار روی هزاره‌ها بیشتر باشد ولی تاجیک ها را تباه و دربدر کرده اند، برای پشتون‌ها هم چیزی نگذاشته اند. بزرگترین چیزی که پشتون‌ها در افغانستان داشتند اعتبار سیاسی بود، این اعتبار را از پشتون‌ها گرفته اند، دیگر از آن اعتبار سیاسی خبری نیست. این‌ها برای همه آسیب رسانده‌اند، تنها برای ما آسیب

متن سخنرانی استاد جواد سلطانی در اتریش

هزاره‌ها پس از مزاری؛ مخاطرات وجودی یا فروپاشی اجتماعی

(۱۶ مارچ ۲۰۲۵-وین اتریش)

به اسارت تحویل بدهید.

یکی دیگر از نشانه‌های زول این است که جامعه ما دچار یک نوع فردگرایی اف

بیدار کرد و ادبیات او، یک فهم بین الاذهانی و درک مشترک میان اعضای جامعه هزاره خلق نمود. طبیعی است که این آگاهی جمعی، حتی پس از رفتن او، از میان نخواهد رفت و بلکه هر روز به صورت نسلی، شکوفاتر خواهد شد.

۲. ارائه تصویر و درکی از وضعیت اکنون و گذشته: پنجره‌ای به تاریخ برای مان گشود و روایتی از تاریخ حذف و انحصار را برای ما ارایه داد. ما کی بودیم، کی هستیم، چگونه حذف شدیم و چگونه دوباره به پا ایستیم و در تعیین سرن

متن سخنرانی داکتر عبدالله شفاعی

شهید مزاری و حقوق شهروندی

(۲۳ مارچ ۲۰۲۵ - روم ایټالیا)



اصل

متن سخنرانی استاد قنبرعلی تابش

روایت و راهبردهای هزارگی(در پرتو رفتار فرهنگی – سیاسی شهید مزاری) (۲۲ قبریوری ۲۰۲۵- ایالت میشگان آمریکا)



متن سخنرانی استاد قنبرعلی تابش

روایت و راهبردهای هزارگی(در پرتو رفتار فرهنگی – سیاسی شهید مزاری)

(۲۲ قبریوری ۲۰۲۵- ایالت میشگان آمریکا)

جانب شمال به بلخ و بامیان و غوری و بغلان و از جانب جنوب به نفل و باغرال و توابغ فراه و قندهار و نواحی آن اتصال دارد و لکه دره صوف بلخ و غیره مواضع چون قره باغ غزنین و سر چشم

قرار داده باشند؛(صالحی،۲۳۹:۱۳۸۷).

۵/۱۱. سازمان جنبش-های اجتماعی قطاعی و از سلولهای نیمه خود مختار ترکیب یافته است و جنبش-های اجتماعی دارای چند سر و عدم تمرکز است. جنبش یک رهبر عالی مقام ندارد. بلکه هر بخش یا سلول دارای رهبر یا رهبرانی است و واحدهای سازمانی جنبش هر کدام دارای عضو، ساختار و ایدئولوژی هستند؛



● سال دوم ● شمارهٔ ۱۶ ● چهار شنبه ● ۱۰ نور ۱۴۰۴ ● ۳۰ آپریل ۲۰۲۵

متن سخنرانی داکتر حسین بیانی راد در آمریکا

تبارشناسی جنبش‌های اجتماعی و سیاسی هزاره‌ها

(۱۶ مارچ ۲۰۲۵–کالیفرنیا)

و به امیر آسی

سازمان، گروه، طبقه، ملیت، مرکزیت در محاورات روزنامه مردم رایج شد و به تدریج جایگزین اصطلاحات و ساختارهای قبیله‌ای و سنتی گردید. در حالی که هزاره‌های نواحی روستایی سعیداشتند با استفاده از فروپاشی رژیم و حکومت کمونیستی، جایگاه بهتری در جامعه و مناسبات سیاسی و اجتماعی افغانستان بدست بیاورند، اکثریت هزاره‌های شهری و به خصوص هزاره‌های کابل به نفع خود میدیدند که از اصلاحات رژیم جدید بهره بگیرند. این اولین بار طی ۲۵۰ سال اخیر بود که افرادی از هزاره ها توانستند بر ک

متن سخنرانی داکتر یار محمد باقری

شهید مزاری و همبستگی اجتماعی

(۹ مارچ ۲۰۲۵- کلگری کانادا)



از دلایلی که مسعود به مطالبات مشروع بقیه اقوام توجهی نمی‌کرد و تلاش می‌کرد هزاره‌ها و ازبیک‌ها را بفریبید و با خواسته‌های مشروع آنان با بی‌اعتنایی برخورد کند، همین انحصارطلبی بود. اسدالله ولوالجی از شخصیت‌های ازبیک نیز در خاطرات خود بارها از بی‌اعتنایی مسعود نسبت به جامعه هزاره و ازبیک سخن گفته است.

به هر حال، شهید مزاری از کسانی بود که هدف مسعود و ربانی را به نیکی درک کرده بود و با او به مقابله برخواست و شکل دادن به جنبش ملی اسلامی نیز بدین منظور انجام شده بود، چنانکه گنجاندن نیروهای جهادی از

متن سخنرانی محمد هدایت در شهر سائوپاولو-برزیل

شهید مزاری و چگونگی مواجهه با امر سیاسی

(۲۳ مارچ ۲۰۲۵ - سائوپاولو/ برزیل)



متن سخنرانی خانم سارا مزاری

نقش دادخواهی هزاره‌ها در به رسمیت شناساندن آپار تاید جنسیتی

(۹ مارچ ۲۵۰۲ – کلگری کانادا، در مراسم سی‌امین سالگرد رهبر شهید)

ادامه سخنرانی عتیق الله قادری عضو فعال و از بنیانگذاران شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت

شهید مزاری شخصیت عملگر و نترس (۱۶ مارچ ۲۰۲۵- نیویورک آمریکا)

حساس باشید.

معلومات در باره هزاره های اهل سنت

در مورد آخر میخواهم در مورد هزاره های اهل سنت معلومات ارایه بدهم. هزاره هایی است

ادامه پیام داکتر صادق مدبر رئیس شورای رهبری حزب انسجام ملی افغانستان به مناسبت سی‌امین سال‌یاد شهادت شهید وحدت ملی استاد عبدالعلی مزاری و یارانش

سایر عرصه‌های تغییر مثبت به میان آمد.

و با یک چشم انداز به خصوص نسبت به آینده افغانستان نگاه می کرد. مساله تمرکز قدرت و عدم جایگاه روشن اقوام مختلف افغانستان از مهم ترین خواست های او بود که همه در مناسبات قدرت حضور داشته باشند.

رییس پارلمان پیشین افغانستان افزود که قاتلان شهید مزاری امروز کار را به جایی رسانده اند که تعصب قومی و تبعیض بیش از گذشته بیداد می کنند و آنان متعصب تر از گذشته به عرصه برگشته اند.

عضو رهبری

و یا تمسک به شورای حل و عقد نمیتوانند پاسخگوی شرایط معاصر افغانستان باشد؛ زیرا این مکانیزمها، عالوه بر عدم مشروعیت مردمی، نقضاًشکار اصول دموکراتیک، شفافیت و حقوق بنیادی بشر را به دنبال دارد و نتایج آن غیرقابل پذیرش است. از این جهت، اداره طالبان جز تمکین به خواست و اراده مردم راه دیگری ندارد.

دکتر محمدجواد اصغری، سخنران بعدی همایش بود که به بررسی نظام ریاستی و دلیل نا کامی آن در افغانستان پرداخت. ایشان مهمترین دلیل ناکارآمدی نظام ریاستی را در افغانستان، فقدان شکلگیری هویت ملی، ضعف نهادها و ساخت

شعرهای جدید از استاد محمود حکیمی در باره رهبر شهید



